

از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

مردم جهان به یک زبان سکوت می‌کنند



پرویز شاپور پنجم اسفند ۱۳۰۲ در تهران متولد شد.

پرویز شاپور پنجم اسفند ۱۳۰۲ در تهران متولد شد. تحصیلات او در رشته اقتصاد بود و به استخدام وزارت دارایی درآمد. سال ۱۳۲۹ با فروغ فرخزاد شاعر بلندآوازه معاصرکه یازده سال از او کوچک‌تر بود، ازدواج کرد. آنها اهواز را برای زندگی مشترک انتخاب کردند. در ۲۹ خرداد ۱۳۳۱ پسرشان کامیار متولد شد. رابطه زناشویی این دو به خاطر دخالت‌های نزدیکان در سال ۱۳۳۴ به جدایی کشید.

شاپور فعالیت روزنامه‌نگاری خود را در روزنامه‌های محلی خوزستان از زمانی آغاز کرد که در آنجا می‌زیست. از سال ۱۳۳۷ به بعد در مجله توفیق مطلب می‌نوشت. پس از آن در نشر به خوشه‌به سردبیری احمد شاملو که در دهه ۴۰ شمسی چاپ می‌شد، به فعالیت پرداخت.

شهرت او به دلیل نگارش کاریکلماتور است که طرافت و دیدی شاعرانه و طنزآمیز دارند. کاریکلماتور کلمه‌ای ترکیب یافته از کاریکاتور و کلمه است که شاملو این‌نام را برای اولین بار بر برخی از نوشته‌های پرویز شاپور نهاد. شاپور علاوه بر آفرینش کاریکلماتور، در طراحی سیاه‌قلم نیز توانا بود.

پس از جدایی از فروغ، شاپور هرگز دوباره ازدواج نکرد و تا آخر عمر همراه با کامیار و برادرش دکتر خسرو شاپور در یک خانه قدیمی زندگی می‌کرد. او در یازدهم مرداد ۱۳۷۸ درگذشت. آرامگاه پرویز شاپور در قطعه هنرمندان بهشت زهراي تهران است. چند نمونه از کاریکلماتورهای پرویز شاپور را مرور می‌کنیم: «غم، کلکسیون خنده‌ام را به سرت برد» / «زندگی بدون آب از گلولی ماهی پایین نمی‌رود» / «همه مردم جهان به یک زبان سکوت میکنند».

خودزنی / محیط‌زیست

شکارچی بی‌رحم آهوان روانه زندان شد

«عامل کشتار ۱۱ آهوی ماده در کاشان برای تحمل ۳سال حبس روانه زندان شده و به پرداخت ۲۲ میلیون تومان جزای نقدی محکوم شد.»، حتما شما هم مثل ما از شنیدن این خبر دلتان خنک شده است. البته شما رانمی‌دانیم. اما ما که دلمان می‌خواست مدت حبس این شکارچی ظالم وقصی‌القلب بیشتر از اینها می‌بود تا شاید درس عبرتی باشد برای خودش و همگنانش. به روایت پایگاه خبری دیده‌بان محیط زیست و حیات وحش ایران یک شکارچی متخلف که طی دو سال گذشته اقدام به شکار غیر مجاز تعداد زیادی آهو در عرصه‌های طبیعی کشور کرده بود، در دادگاه به تحمل سه سال حبس و پرداخت ۲۲۰ میلیون ریال جزای نقدی محکوم شده و با تأیید رای در دادگاه تجدید نظر روانه زندان شد. چندی قبل پلیس آگاهی شهرستان کاشان یک نفر را به جرم سرقت موتورسیکلت بازداشت کرده تحت بازجویی و تحقیقات قرار می‌دهد. رئیس اداره محیط زیست کاشان در این باره گفت: مامورین پلیس در جریان تحقیقات خودیک دوربین عکاسی متعلق به متهم را بازبینی کردند و در میان تصاویر موجود در دوربین، با عکس هایی از شکار جانوران وحشی مواجه شدند. محمود قهرمانی اظهار داشت: موضوع به اداره حفاظت محیط زیست کاشان منتقل شده و کارشناسان محیط زیست در بررسی تصاویر، شکار غیر مجاز یازده آهوی ماده توسط متهم را شناسایی و تأیید کردند. بنابراین با شکایت اداره حفاظت محیط زیست کاشان، متهم علاوه بر جرم سرقت موتورسیکلت، از بابت شکار غیر مجاز ۱۱ آهو نیز تحت محاکمه قرار گرفت.

در جریان رسیدگی به این پرونده در شعبه ۱۰۱ دادگاه جزایی کاشان، متهم از بابت شکار غیر مجاز ۱۱ آهوبه تحمل ۳سال حبس تعزیری (زندان غیر قابل خرید) ومصادره اسلحه‌به کاررفته در جریان شکار غیر مجاز محکوم شد. با اعتراض وکیل مدافع متهم به رای صادره، پرونده جهت رسیدگی مجدد به دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان ارجاع شد. در جریان بررسی مجدد پرونده، قضات دادگاه تجدیدنظر دلایل متهم را برای اعتراض به رای بدوی غیر موچه رای دادگاه بدوی را قطعی دانستند.

پس از تأیید رای صادره در دادگاه تجدیدنظر، پرونده به واحد اجرای احکام ارجاع و متهم روانه زندان شد است و هم اکنون نیز جهت گذراندن دوران محکومیت خود در زندان به سر می‌برد. بر اساس قانون علاوه بر جنبه عمومی و جزایی جرم (محکومیت سه سال حبس) متهم می‌بایست مبلغ ۲۲۰ میلیون ریال بابت ضرر و زیان وارده به محیط زیست ناشی از شکار غیر مجاز ۱۱ آهو را نیز به حساب دولت واریز کند. اما شکارچی متخلف از پرداخت مبلغ ضرر و زیان خودداری کرده و بدون واریز کردن جریمه مذکور روانه زندان گردید. بنابراین اداره محیط زیست کاشان دادخواستی را در این رابطه تنظیم و در مراجع قضایی مطرح نمود.

در جریان رسیدگی به دادخواست اداره حفاظت محیط زیست کاشان در دادگستری این شهرستان، دادگاه با استناد به مواد قانونی و تصویب نامه مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۶ شورای عالی محیط زیست در خصوص بهای جانوران وحشی به لحاظ مطالبه ضرر و زیان مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۹۸۰۸ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۲ متهم را به پرداخت مبلغ ۲۲۰ میلیون ریال جریمه نقدی بابت ضرر و زیان وارده به محیط زیست ناشی از شکار غیر مجاز ۱۱ آهو (۲۰ میلیون ریال در ازاء هر یک آهو) و همچنین پرداخت هزینه دادرسی محکوم نمود.



فارسی را پاس بداریم

برو بابا! تو هم حال داری

«دیروز در نشست مطبوعاتی خبرگزاری‌ها صحبت از حل شدن ۷۰در صد اختلاف‌ها و باقی ماندن ۳۰درصد از موارد می‌گویند اما این اختلاف‌ها که باید تا ۴۸ ساعت آینده و یا با زم‌مه‌های که شنیده می‌شود تا ۷۲ ساعت آینده مشخص شود بر سر چیست؟» آنچه خواندید متنی است از خانم محترمی که عضو شورای سردبیری یکی از محترم‌ترین خبرگزاری‌های ایران است. آنچه خواندید بخشی از یک یادداشت ۵۴۲ کلمه‌ای است که پس از خواندن آن مجبور به چند ساعت سکوت، سپس نیم ساعت گریه و در نهایت خوردن دو عدد استامینوفن کدئین شدم تا مگر آبی باشد بر آتش سردردم. شاید این چند خطی که در آغاز این نوشته آورده‌ام چندان هم غلط به نظر نرسد اما وقتی به این نکته می‌اندیشم که همین چند خط با همین غلط‌های نه چندان فاحش! حاصل ترواش قلم‌یک «سردبیر» است دیگر نمی‌توانم آرام و قرار بگیرم و به این نتیجه می‌رسم که واقعا اوضاع ما وخیم‌تر از آن است که خود گمان می‌پریم.

نمی‌دانم خاطر مبارکتان هست یا نه که در نخستین ایام حیات این ستون عرض کردم کوتاه بودن

| اوقات شرعی: اذان صبح: ۵:۴۰ | اذان ظهر :۱۲:۳۰ | غروب آفتاب: ۱۹:۲۰ | اذان مغرب: ۱۵:۲۰ |

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

مثل خون در رگ های من

نامه‌های عاشقانه احمد شاملو به آیدا منتشر شدند

زینب کاظم خواه – شاعران و نویسندگان بعد از مرگ‌شان به حیات ادامه می‌دهند. بعد از نبودن‌شان آثاری که از آنها مانده برای ناشران جذاب می‌شود و هر کدام به دنبال اثری چاپ‌نشده از او می‌روند. اکنون نامه‌های عاشقانه شاملو که به همسرش در طول سال‌ها نوشته منتشر شده‌اند. این نامه‌ها ۲۰ نامه عاشقانه‌اند که او در سال‌های ۴۰ و ۵۰ خطاب به آیدا نوشته است. آیدا در گفت‌وگو با «اعتماد» گفته بود: «دوست نداشتم این نامه‌ها به این زودی چاپ شوند.» او پیش از این هیچ‌گاه از انتشار این نامه‌ها حرفی نزده بود، انگار می‌خواست نامه‌ها را برای همیشه پیش خودش نگه دارد. شاید به این خاطر که دوست داشت وقتی نامه‌ها منتشر شوند که خود او دیگر نباشد اما «دیگر قضیه لو رفته بود و باید منتشر می‌شدند.»

کتاب «مثل خون در رگ‌های من» نام این اثر است و آیدا سرکیسیان بعد از ۱۵ سال که از مرگ این شاعر می‌گذرد اجازه انتشار این نامه‌ها را داده است. این مجموعه را نشر چشمه در ۱۷۲ صفحه منتشر کرده است. رابطه عاطفی و عاشقانه احمد شاملو و آیدا سرکیسیان یکی از مشهورترین وجوه زندگی این شاعر است که باعث تحولی در تجربه زینستی شاملو شد. به طوری که در بسیاری از مشهورترین اشعارش رد پای حضور آیدا کاملا محسوس است. به همین دلیل می‌توان این رابطه را یکی از تأثیرگذارترین روابط عاشقانه‌ای دانست که شخص شاملو نیز مدام به آن اشاره داشت. این نامه‌ها فضای حاکم بر همین احساسات شخصی شاعر است و صدا البته اشاره‌هایی به برخی مسائل ادبی و سیاسی روزگار. هرچند این امر آنچنان پررنگ به شمار نمی‌آید.

در انتهای کتاب نیز تصویر ۱۷ نامه با دستخط شاعر گنجانده شده است. در واقع فارغ از محتوای خاص این نامه‌ها می‌توان آنها را بخشی از تاریخ زندگی شاعر به حساب آورد که تا به امروز منتشر نشده بود. «مثل خون در رگ‌های من» دومین مجموعه از نامه‌های شاملو است که در نشر چشمه

گردش روزگار برعکس است



یار در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم…

با کاروان حله / اخبار هنر

بنیامین: معیارم خانواده است نه خطوط قرمز



بنیامین به‌با، خبرنگار ایرانی، در جریان نشست مطبوعاتی خبرگزاری‌ها در تهران.

چندی پیش تازه‌ترین آلبوم بنیامین به بازار آمد و در عین حال خبرهایی از برگزاری کنسرتش در خارج کشور منتشر شد. به تازگی «نسئیم» یا این خواننده در مورد موضوعاتی چون کنسرت‌هایی که در خارج از کشور و به خصوص آمریکا داشته، صحبت کرده است. او در پاسخ به این سوال که «راه‌قاپیدن مخاطبان حاضر در امریکا چیست؟ گفت: جمله‌ای هست که زیاد شنیده‌ایم و شاید کمی نخنما شده

باشد اما واقعیت دارد؛ محدودیت خلاقیت می‌آورد. به دلیل نداشتن اجازه دولت نیست که ما از رقصندگان زن استفاده نمی‌کنیم. کاربزمای اجرای ما متفاوت است. دیگر گروه‌ها معمولا وقتی به رنگ درست و جذابی در اجرا نمی‌رسند از رقصندگان استفاده می‌کنند. در حالی که برنامه ما جذابیت‌های لازم را دارد و می‌تواند مخاطب را جذب کند و نیازی به حضور رقصندگان زن بر روی صحنه نداریم. من این‌ها را محدودیت نمی‌دانم؛ این‌ها برای من اضافه کاری است. همه‌ی دنیا فهمیده‌اند که استفاده از این برهنگی‌ها پوچ است و چرک ما جرا درآمده است.

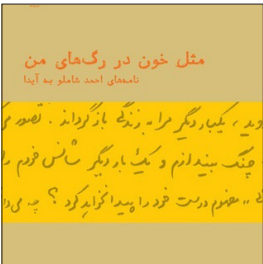
او همچنین حرمی را که در کارهایش رعایت می‌کند چنین تعریف کرد: معیارم پدر، مادر، برادر و خواهرم هستند. این‌ها بهترین معیار برای کارهایی است که باید انجام دهم و کارهایی که انجام ندهم. به دولت‌م کاری ندارم که به من اجازه انجام چه کاری را می‌دهد یا نمی‌دهد. خانواده

از نظر من بهترین معیار است. اگر در امریکا هم بخواهم کاری بسازم و دستم برای استفاده از هر ابزاری باز باشد، هرگز از چنین چیزهایی استفاده نمی‌کنم.

ای دوست، به دوستی قرینیم تورا
هر جا که قدم نهی ز مینیم تورا
در مذهب عاشقی روانیست که ما:
عالم به تو بینیم و بینیم تورا

(ابراهیم بن بزرگمهر منخلص به عراقی، قرن هفتم، رباعیات)

سوت پایان



مثل خون در رگ‌های من
احمد شاملو
نشر چشمه
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت: ۲۲ هزار تومان
صفحه ۱۷۲

مثل خون در رگ‌های من احمد شاملو نشر چشمه شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه قیمت: ۲۲ هزار تومان صفحه ۱۷۲

پیش از این نامه‌های عاشقانه نادر ابراهیمی به همسرش فرزانه منصوری در قالب کتابی به نام «چهل نامه کوتاه به همسرم» منتشر شده بود. نامه‌های عاشقانه غلامحسین ساعدی به طاهره کوزه‌گرانی نیز به نام «طاهره طاهره عزیزم» کتاب دیگری است که چند سال پیش منتشر شد. این نامه‌ها بعد از درگذشت طاهره کوزه‌گرانی منتشر شد، نامه‌هایی که مرحوم ساعدی در فاصله زمانی ۱۳ ساله از سال ۱۳۳۲ تا تیرماه ۱۳۴۵ نوشته بود. این نامه‌های یک‌طرفه از سوی این نویسنده برجسته معاصر نوشته شد که هرگز جوابی نداشتند.

فرمان امام علی(ع) به خط قوام السلطنه



قوام‌السلطنه، وزیر امور خارجه ایران در دوره رضاشاه.

بسیاری احمد قوام ملقب به قوام السلطنه را به سیاستمدار بودنش و البته نقش پررنگ او در حادثه تلخ کشتار مردم در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ می‌شناسند. این سیاستمدار ایرانی که در پایان دوران قاجار و روزگار پهلوی، پنج بار نخست وزیر ایران شد، خطی خوش داشت و این خط خوش باب ورود او به سیاست شد.

قوام فرزند میرزا ابراهیم معتمدالسلطنه از رجال دوره ناصری بود. معتمدالسلطنه شمه‌ای از تحصیلات او و نمونه‌ای از خط او را نزد ناصرالدین شاه برده و برای فرزند خود تقاضای شغل و لقب نمود. شاه وقتی از حسن خط و شیوه نگارش این جوان واقف شد، او را جزء پیشخدمتان مخصوص قرار داده و ملقب به عنوان دبیر حضور کرده و مراتب ترقی وی آغاز شد. وی در شکسته نستعلیق استاد بوده و نستعلیق را نیز زیبا می‌نوشته و آثاری گران‌بها از وی بر جا مانده که از جمله مشهورترین آنها فرمان مشروطیت، مرقع مناجات حضرت علی (ع) در کاخ گلستان، صد کلمه، یک مرقع در مدح مظفرالدین شاه و بوستان سعدی به شکسته نستعلیق است. یکی از نسخ خطی برجای مانده از قوام، عهدنامه حضرت علی ابن ابیطالب (ع) به مالک اشتر نخعی در باب فرمانروایی مصر است که قوام ترجمه آن را در دوازده سالگی کتابت کرده و در شهریور سال ۱۳۱۸ شمسی بر آن حاشیه‌نوشته است. این نسخه خطی در ۳۰برگ، ۹، سطر، اندازه‌سطور: ۷۵×۱۳۰، با شما‌مه ۵-۱۹۵۳۵ در کتابخانه ملی ایران ثبت و در مخزن کتاب‌های خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود.

جمله قرار دهد، حالا باید ببینیم وقتی می‌گویم «دیروز در نشست مطبوعاتی خبرگزاری‌ها…» منظورمان دقیقاً چیست؟ می‌خواهیم بگویم خبرگزاری‌ها همه در یک نشست مطبوعاتی شرکت کرده‌اند و همگی آنها در باره مسأله هسته‌ای ایران موضع مشابه داشته‌اند؟ حتی یک دانش‌آموز مقطع متوسطه در یک روستای دورافتاده هم می‌داند که مثلاً موضع خبرگزاری فارس در باره مسائل هسته‌ای، هیچ‌نسبتی با موضع پایگاه خبری انتخاب ندارد… سران را در دنیایم. عجانا شما را با شکل اصلا شده‌آن دو خط‌امی گذارم.»
در یکی دوروز اخیر منابع خبری معتبر از حل شدن ۷۰درصد اختلاف‌ها سخن می‌گویند، اما هنوز به روشنی معلوم نیست ۳۰درصد اختلافات باقی مانده بر سر چیست؟ اختلافاتی که باید تا ۴۸ ساعت آینده یا با زم‌مه‌هایی که شنیده می‌شود تا ۷۲ ساعت آینده تکلیفشان معلوم شود!؛ باور بفرمایید حتی اگر با نهایت خیرخواهی و احترام این غلط‌ها را به شخص نویسنده گوشزد کنیم، با خونسردی زایدالوصفی به ما لیخند خواهد زد و خواهد گفت: برو بابا! تو هم حال داری ها!!!

جمله در زبان فارسی، به درست بودن جمله کمک می‌رساند. یعنی اگر فاصله‌نهاد و گزاره (فعل و فاعل، مسند و مسندالیه) کم باشد، جملات سراسرت‌تری خواهیم داشت و ضریب خطا در نوشته ما پایین می‌آید. مسأله جدی‌تر اما، این است که آیا ما می‌دانیم نهاد چیست و گزاره کدام است و هر نهادی چه گزاره‌ای می‌خواهد؟ اگر ندانیم دیگر کوتاه کردن جمله هم به دامان نخواهد رسید. یکبار دیگر بخشی از نوشته فوق‌الذکر را ملاحظه فرمایید: «…صحبت از حل شدن ۷۰ درصد اختلاف‌ها و باقی ماندن ۳۰ درصد از موارد می‌گویند.» نویسنده محترم میان دو جزء فعل مرکب فاصله انداخته و علاوه بر آن جزء اول فعل مرکب را هم غلط به کار به برده است. چرا؟ به این دلیل که جزء اول فعل مرکب را نهاد جمله انگاشته و خب طبیعی است که اگر خشت اول یک جمله را کیچ بگذاریم ناگزیریم تاثر یا کیچ برویم. فعل مرکب و البته غلط این جمله که نویسنده محترم دو جزء آن را از هم جدا کرده «صحبت می‌گویند» است. درست آن بود که نویسنده مثلاً از فعل «سخن می‌گویند» استفاده کند بدون آنکه یک جزء آن را در آغاز جمله بگذارد و جزء دیگر را در انتهای